

ساخت واژواجی گونهٔ رمزی زرگری فارسی‌زبانان تهران قدیم: رویکرد زایشی*

عالیه کرد زغفرانلو کامبوزیا (دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تربیت مدرس)
لیلا رحمتی‌نژاد (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم)

چکیده: هدف زبان ایجاد ارتباط و انتقال اندیشه است اما در برخی از جوامع گروه‌هایی هستند که نمی‌خواهند غریبه‌ها از چندوچون افکارشان باخبر شوند، پس با دست‌کاری زبان رسمی خود آن را برای دیگران نامفهوم می‌سازند. گونهٔ رمزی زرگری یکی از این بازی‌های زبانی است که در میان خانواده‌های فارسی‌زبان تهران قدیم رایج بوده است. پژوهش حاضر به بررسی این گونهٔ زبانی در چارچوب رویکرد زایشی می‌پردازد. اینکه گونهٔ رمزی زرگری چه نوع زبانی است و چه فرایندهایی در ساخت آن عمل می‌کنند، سؤالات پژوهش است. نهایتاً مبنای این گونهٔ زبانی، زبان طبیعی شناخته شد که با اعمال قاعدهٔ درج هجای (ZV) ساخته می‌شود. همچنین، نوع خاصی از دو فرایند تکرار و هماهنگی واکه‌ای در شکل‌گیری واژه‌های آن مؤثراند.

کلیدواژه‌ها: زبان‌های رمزی، گونهٔ رمزی زرگری، رویکرد زایشی، فرایند درج، ساخت واژواجی

* با تشکر از جناب آقای دکتر سید مصطفی عاصی و جناب آقای دکتر حسن رضائی باغبیدی که سخاوتمندانه با معرفی و ارائهٔ مقالات و منابع مرتبط ما را در انجام این پژوهش یاری کردند.

۱. مقدمه

زبان‌های رمزی مجموعه‌ای از واژگان و قراردادهای ساختگی هستند که گروهی خاص در میان خود قرار می‌دهند تا با اتکا به آن بتوانند اندیشه و راز درونی‌شان را که به‌ناچار می‌بایست بر زبان بیاورند از دیگران پنهان کنند. از آنجاکه این زبان‌ها پایه زبانی (زبان طبیعی) دارند، باید با تسامح کلمه زبان را در موردشان به‌کار برد و بهتر است اصطلاح گونه زبانی به آنها اطلاق شود. در این میان گونه زبانی رمزی زرگری تهران قدیم که در این مقاله به اختصار «گونه رمزی زرگری» خوانده می‌شود، یکی از معروف‌ترین گونه‌های رمزی در میان خانواده‌های فارسی‌زبان تهران قدیم است که نوعی بازی زبانی^۱ نیز به‌شمار می‌رود. این گونه زبانی که قدمت مشخصی ندارد، معمولاً در بین طبقه‌های میانی جامعه، توده مردم و عموماً در بین زنان رایج بوده است. در واقع، زرگری از جمله لوترهای^۲ همگانی است که هر شنونده‌ای را مجذوب سرعت و نظم گوینده در به‌کارگیری حرف «ز» در میان هجاهای کلمه می‌کند به طوری که تشخیص اکثر واژه‌های آن غیرممکن به نظر می‌رسد. نکته حائز اهمیت آن است که در چند دهه اخیر با گسترش فناوری‌های ارتباطی استفاده از این نوع زبان در میان خانواده‌ها کم‌رنگ شده و تنها نامی از آن باقی مانده است. از این رو، آشنایی با این زبان آهنگین و کمک به حفظ آن به‌عنوان بخشی از تاریخچه و فرهنگ شفاهی ایران از یک‌سو و مرتبط بودن ساخت آن با بحث واژواجی (مرز بین واج‌شناسی و صرف) از سوی دیگر، بیان‌گر اهمیت پرداختن به این موضوع است. در این راستا، تحقیق حاضر برای نخستین بار در چارچوب رویکرد زایشی به بررسی گونه رمزی زرگری می‌پردازد. سؤالات مطرح در این پژوهش عبارت‌اند از: ۱) گونه رمزی زرگری چه نوع زبانی است؟ ۲) چه فرایندهایی در ساخت گونه رمزی زرگری عمل می‌کنند؟

۱. بازی زبانی (linguistic game) یا زبان مخفی، نظام دستکاری شده کلمات یک زبان است که برای شنونده قابل درک نیست. بازی‌های زبانی عمدتاً توسط گروه‌هایی ایجاد می‌شوند که تلاش می‌کنند مکالمات خود را از دیگران پنهان کنند. نظام صرفی بازی‌های زبانی نیز به تعدادی عملیات کوچک که روی زبان عادی ایجاد می‌شود، محدود است مانند معکوس کردن هجا (Crystal 2008: 291).

۲. لُتره، لوتره و لوترا گونه‌های دیگر واژه لوتر هستند که در منابع گوناگون با تعاریفی چون زبان خاص یک گروه، زبان نامفهوم و یا جوج و مأجوج، زبان قراردادی میان دو یا چند تن برای آن است که دیگران حرف‌هایشان را نفهمند و زبان زرگری معرفی شده‌اند (باطنی ۱۳۸۴؛ انوری ۱۳۸۸؛ معین ۱۳۸۶ و آریان‌پور و عاصی ۱۳۹۱).

۲. پیشینه تحقیق

شاید بتوان گفت نخستین بار چهار هزار سال پیش از میلاد مسیح بود که در محافل سری بنیان سازنده اهرام مصر اولین گونه زبانی رمزی صنفی شکل گرفت (عابد و همکاران ۱۳۹۴: ۱۴). این گونه‌های زبانی یک پدیده جهانی هستند که در اکثر جوامع بشری وجود دارند. به طور مثال، در بین عرب‌زبانان واژه‌هایی وجود دارد که چه به لحاظ آوایی و چه به لحاظ معنایی شباهت‌های بسیاری به معنای اصطلاح زبان رمزی و دیگرگونه‌های تلفظی آن دارد^۱ (بلوکباشی ۱۳۷۹: ۱۱۰). در ژاپن، تایوان، آمریکا نیز نوعی از این گونه‌های زبانی (پیگ لاتین^۲ و زبان آپ^۳) وجود دارند که کودکان در بازی‌های زبانی خود از آنها استفاده می‌کنند (عبدالرشیدی ۱۳۹۲: ۳۳-۳۴). در مطالعات اروپاییان این نوع زبان‌ها با نگاهی صنفی و شغلی و بانام‌هایی چون «زبان ترکیبی» (Ivanow 1920: 284)، «گفتار ویژه»^۴ (Gumperz 1973)، «زبان حرفه‌ای یا صنفی»^۵ (Fromkin et al. 2003; Yule 1996) و زبان سری^۶، زبان خاص^۷ و زبان دزدان^۸ (Ferreira and Bouda 2009: 96) معرفی شده‌اند. مثلاً، از دیدگاه گامپرز (1973: 221) این زبان‌ها وسیله‌ای برای حفظ مرزهای یک گروه اجتماعی و ضامن بقا و وحدت آن گروه هستند و هیچ غریبه‌ای مجاز به درک آن زبان نیست. به علاوه، رمزی و انحصاری بودن این زبان‌ها برای اعضای گروه تا حدی مهم است که کار تحقیق و گردآوری اطلاعات لازم در مورد این زبان‌ها را دشوار می‌کند. او همچنین، به وجود زبان رمزی میان کولی‌های رومانی و زبان یدیش^۹ یهودیان اشاره کرده است. یول (1996: 245) نیز این زبان‌ها را دارای واژگان فنی خاص می‌داند که کمک می‌کنند تا ما ارتباط خود را با افرادی که به نحوی «خودی» هستند برقرار نماییم و افراد «غیرخودی» را در گروه دخیل نکنیم. فرامکین و همکاران (2003: 575-85) هم در تعریف خود از زبان رمزی آن را دارای کلمات ویژه‌ای

۱. واژه‌های عربی مانند رُطینا و رُطینی: کلام غیر مفهوم، رطانه: سخن جز به عربی گفتن، تراطن: باهم‌دیگر سخن به زبان عجم گفتن و آرتل: مرد گنگلاچ کندزبان (بلوکباشی ۱۳۷۹: ۱۱۰).

2. Pig Latin 3. Ap language 4. special parlance 5. jargon
6. Geheimsparche (secret language) 7. Sondersprache (special language)
8. Gaunersprache (thieves language) 8. Yadish

می‌دانند که توسط یک گروه خاص مانند گروه خلبان‌ها یا زبان‌شناسان استفاده می‌شود. تحقیقات درباره زبان‌های رمزی محدود به کشورهای دیگر نیست. پژوهشگران ایرانی هم در مطالعات خود گونه‌های زبانی رمزی را با عناوینی چون لوتر، زبان‌های ساختگی، زبان‌های رمزی، بازی‌های زبانی و زبان‌های زرگری (عُصفوری) معرفی کرده‌اند. به‌طور مثال، اولین بار زمردیان (۱۳۴۸: ۵۴۹-۵۵۵) در مقاله‌ای تحت عنوان «زبان‌های ساختگی» به معرفی زبان‌های «ولاپوک و اسپرانتو»^۱ پرداخت و منظورش از زبان‌های ساختگی آن دسته از زبان‌های مشترکی بود که به‌قصد ایجاد ارتباط بیشتر ساخته می‌شوند. درحقیقت، زمردیان اصطلاح زبان ساختگی را درست در نقطه مقابل زبان‌های رمزی به‌کار برد؛ زیرا هدف زبان‌های رمزی محدود کردن ارتباطات در درون یک گروه خاص است. بعد از او، بلوکباشی (۱۳۸۰: ۲۱) با استفاده از همین اصطلاح زبان‌های ساختگی، لوترها یا زبان‌های رمزی ایرانی را به چهار دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از: ۱) لوترهای ویژه گروه‌های قومی، مثل لوترهای کولیان و یهودیان، ۲) لوترهای ویژه فرقه‌های دینی - مذهبی مانند لوتر درویشان، ۳) لوترهای ویژه گروه‌های حرفه‌ای و صنفی مانند دزدان، راهزنان و گدایان، لوتر مطربی (در تهران) و لوتر آسیابانی (در دزفول و شوشتر)، ۴) لوترهای همگانی رایج در بین مردم که معمولاً در میان طبقه‌های میانه جامعه و توده مردم و عموماً در بین زنان رایج است، مانند زرگری، مرغی^۲، گنجشکی، مطربی، سینی، میمی^۳، لامی^۴، گاوی، اشتری،

۱. زبان ساختگی ولاپوک (Volapuk) را شلیر در سال ۱۸۸۰ میلادی برپایه زبان‌های لاتینی و انگلیسی و دستور زبان آلمانی، و اسپرانتو (Esperanto) را زامنهوف به سال ۱۸۸۷ میلادی با واژه‌های یونانی، لاتینی و آلمانی و گنجاندن شانزده قاعده دستوری ساده ساختند (عبدالرشیدی ۱۳۹۲: ۸۹).

۲. یکی از انواع زبان‌های ساختگی است که در آن واج‌های /rG/ به‌طور یک‌جا در میان واج‌های واژه مادر جای می‌گیرند. چون تکرار دو واج /rG/ صدایی شبیه صدای مرغ ایجاد می‌کند و نیز چون واژه «مرغ» /morG/ هم به /rG/ ختم می‌شود، این زبان، به «زبان مرغی» موسوم است (عبدالرشیدی ۱۳۹۲: ۹۱).

۳. از زبان میمی فقط در شهر لنگرود نمونه‌برداری شده است. در این شهر، زبان مادر هم می‌تواند فارسی تهرانی باشد و هم گونه فارسی گیلکی مانند: توپ «tu.mup» (همان: ۹۲).

۴. در زبان لامی، واج گرداننده // است و هجای مادر به سه هجای گشته تبدیل می‌شود مانند: توپ «tu.lu.lup» (همان: ۹۱-۹۲).

سیدی^۱، گوشتی^۲ و انگوری^۳. عبدالرشیدی (۱۳۹۲) نیز در کتاب خود که برگرفته از رساله دکتری (۱۳۵۷) اوست، زبان‌های ساختگی را به سه دسته طبقه‌بندی می‌کند:

(۱) نوع اول بر پایه تغییرات معنایی که در آن، واژه به‌طور کامل جای خود را به واژه دیگری می‌دهد و هیچ نوع رابطه آوایی بین واژه مادر (واژه زبان رسمی) و واژه گشته (صورت تغییر یافته واژه رسمی) وجود ندارد. واژه‌های این نوع زبان‌های ساختگی به چهار دسته واژه‌های حرفه و پیشه، واژه‌های مربوط به مشتری و پیشه‌ور، واژه‌های مربوط به خوراکی‌ها و واژه‌های ممنوعه قابل تقسیم است؛

(۲) زبان‌های ساختگی نوع دوم که از طریق جابه‌جایی واج‌ها در واژگان ساخته می‌شوند (زبان‌های ساختگی کولی‌ها و برخی اصناف)؛

(۳) نوع سوم با اضافه شدن آواها در واژگان ساخته می‌شوند مانند زبان‌های عصفوری (زبان زرگری).

آنی‌زاده (۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۴۲) هم در مقاله‌ای تحت عنوان «نگاهی به زبان‌های ساختگی اصناف»، با ارائه تعریفی از لوتر و تاریخچه آن، دو نمونه از لوترهای صنفی (لوتر دراویش دوره‌گرد و لوتر مسگرها) را بررسی کرده است. در ماهنامه آزما نیز مقاله‌ای در قالب یک مصاحبه منتشر شده است که در آن مصاحبه‌شوندگان به بیان دیدگاه‌های خود درباره زبان‌های صنفی، زبان مخفی و برساخته پرداخته و در برخی موارد به زبان زرگری به‌عنوان نمونه‌ای از زبان‌های صنفی و شغلی اشاره کرده‌اند (عابد و همکاران ۱۳۹۴: ۱۴-۲۸). حسینی

۱. این زبان در آذربایجان و شهرهایی از خراسان به «سیدی» موسوم است، ولی اسامی دیگری هم دارد. در نصرآباد الیگودرز، آن را زبان «سوسی» و در تایباد مشهد «سوئدی» می‌خوانند مانند: توپ «sup.tej.di» (همان: ۹۳).

۲. این زبان از آن جهت به زبان گوشتی موسوم است که واج‌های گرداننده واژه مادر به واژه گشته دو واج /t/ هستند که کلماتی شبیه «گوشت» تولید می‌کند مانند: توپ «tu.tup» (همان: ۹۴).

۳. زبان انگوری در ملایر، کرمان و سیرجان نمونه‌برداری شده است. نحوه گشتار در این زبان بدین صورت است که همخوان‌های یک واژه و واژه‌های پیشین آن در آغاز واژه «anguri» قرار می‌گیرند. در برخی نمونه‌ها، این واژه «angeri» یا «angori» هم ادا می‌شود مانند دانشگاه = danguri anguri nanguri [anguri ganguri hanguri] (همان: ۹۵).

معصوم (۱۳۹۳: ۲۵-۴۷) پژوهش دیگری است که در سطحی خُرد به توصیف گویش‌شناختی یک‌گونه رمزی خاص در مشهد با نام «زبان خانواده برومند» پرداخته است. در این میان مقاله همایونی (۱۳۵۰: ۳۵۸) تنها پژوهشی است که به گونه رمزی زرگری به‌طور خاص پرداخته و با استناد به کتاب‌هایی چون برهان قاطع، حدود العالم من المشرق الی المغرب و «راهنمای گردآوری گویش‌ها» از زبان زرگری با عناوینی مانند لوتر، لوترا، لوتره، لتره یاد کرده است. دستاورد این پژوهش هشت قاعده کلی است که برای ساخت زبان رمزی زرگری به‌کار می‌رود. نهایتاً، با نگاهی به پیشینه بیان شده می‌توان به اهمیت گونه‌های زبانی رمزی به‌عنوان بخشی از میراث و تاریخچه زبانی بشر پی برد. در نتیجه آشنایی با این زبان‌ها و بررسی آنها در چارچوب نظریه‌های جدید زبان‌شناسی ضروری به‌نظر می‌رسد.

۳. توصیف زبان زرگری و زیرشاخه‌های آن

آنچه از بررسی منابع مرتبط با زبان زرگری در ایران حاصل می‌شود آن است که اصطلاح زرگری به دو گونه زبانی متفاوت اطلاق می‌شود: ۱) گویش زرگری یا رومانو به‌عنوان یک‌زبان طبیعی؛ ۲) گونه‌های رمزی زرگری یا عصفوری مانند زرگری، مرغی، گنجشکی، مطربی، سینی، میمی، لامی، گاوی، اشتری، سیدی، انگوری و غیره. در ادامه بحث برای تعیین جایگاه گونه رمزی زرگری تهران قدیم با هریک از موارد فوق بیشتر آشنا می‌شویم.

۱.۳. گویش زرگری یا رومانو

پرفسور ویندفور (1970: 291) پژوهشگری بود که برای نخستین بار از وجود گونه‌ای از زبان رومانی^۱ اروپایی در روستاهای زرگر و باقرآباد ترک در نزدیکی قزوین خبر داد و توصیفی

۱. بازماندگان کولیان بانام‌های متفاوت در اکثر کشورهای جهان، از اسپانیا و ایرلند در غرب تا چین و فیلیپین در شرق یافت می‌شوند (Lyovin 1997: 51)؛ افشار سیستانی (۱۳۷۷: ۲۵-۲۸). در ایران هم از دیرباز کولیان را با نام‌هایی مانند، پاپتی، جوگی، چگینی، چینگانه، زُط، زَنگی، سوزمانی، غُرتی، قَره‌چی، قَرشمال و لولی می‌شناختند (Ivanow 1914: 442). قدیمی‌ترین منبع فارسی درباره آنان نیز شاهنامه فردوسی است که به روایت آن بهرام گور،

کوتاه اما نسبتاً دقیق از آن ارائه کرد. او نشان داد که این زبان — که سخنگویانش آن را رومانو می‌خوانند — بسیار به گویش کولیان روستای ماریزا^۱ در جنوب بلغارستان شباهت دارد. پس از ویندفور دیگر پژوهشگران ایرانی به بررسی زبان رومانو پرداختند و در پرتو پژوهش‌های آنها مشخص شد که این زبان علاوه بر روستاهای زرگر و باقرآباد ترک، در قشلاق زرگرها در حومه کرج و نیز در قوچان، آبیک قزوین، شهریار کرج و حتی در اطراف شیراز سخنگویانی دارد (رضائی باغبیدی ۱۳۸۱: ۲۴۳). وثوقی (۱۳۸۱) نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «توصیف زبان شناختی گویش زرگری رایج در روستای زرگر» گویش زرگری این منطقه را مورد واکاوی قرار داده و می‌نویسد:

گویش زرگری مخصوص اهالی روستای زرگر در نزدیکی شهرآبیک از استان قزوین است که گویشوران این روستا آن را رومانی می‌نامند. آنان بر این باورند که گویش آنها نوعی لهجه ایتالیایی است. البته شایعات و باورهای متفاوتی درباره منشأ این گویش وجود دارد که هیچ‌کدام سابقه مکتوب یا سند تاریخی ندارند و بیشتر در افواه مردم با اهالی آن روستا مطرح است. مثلاً، برخی از گویشوران بومی بر این عقیده‌اند که گویش آنها زبان رمزی است و اجداد آنها در روزگاران گذشته قبطی یا غربتی (کولی) بوده‌اند و چون می‌خواستند جامعه خود را بسته نگه‌دارند و از تداخل افراد غیر خودی مصون بدارند، تغییراتی در واژگان، ساختار و تلفظ زبان متداول زمان خود به‌وجود آورده‌اند تا فهم و درک آن برای دیگران ناممکن گردد و کسی به اسرار و افکار آنها راهی نیابد؛ اما بررسی‌های انجام‌شده بر روی این گویش حاکی از آن است که قواعد صرفی و ساختاری این زبان پیچیده‌تر و منسجم‌تر از آن است که در حد یک‌سری عوامل و تغییر و دگرگونی سطحی پدید آمده باشد. برخی از پژوهشگران نیز این گویش را نوعی زبان هندی می‌دانند که مردم آن در زمان گذشته به ایران کوچ کرده‌اند. همچنین، عده‌ای از تحصیل‌کرده‌های مردم زرگر گویش خود را از نوع زبانی می‌دانند که در کشورهای اسلاوی صحبت می‌شود و احتمال می‌دهند مردم این روستا اصالتاً اسلاوی‌نژاد باشند (وثوقی ۱۳۸۱: ۳۶۱-۳۶۲).

پادشاه ساسانی (۴۲۱-۴۳۸ م) از سَنگَل، فرمانروای هند، درخواست فرستادن ده هزار نوازنده هندی را که «لوری» خوانده شده‌اند به ایران می‌کند (Minorsky 1986: 817). زبانی که نیاکان کولیان بر آن تکلم می‌کردند عضوی از شاخه مرکزی زبان‌های هندی (هندوآریایی) است که رومانی خوانده می‌شود (رضائی باغبیدی ۱۳۸۱: ۲۴۱-۲۴۲).

1. Mariza

۲.۳. گونه‌های رمزی زرگری یا عصفوری

گونه‌های زبانی‌ای چون زرگری، مرغی، لامی، میمی، سیدی، گوشتی، انگوری و بی‌نام نوع اول و دوم^۱ عموماً به گونه‌های رمزی زرگری یا عصفوری معروف‌اند، اما طبق اسناد موجود گونه رمزی زرگری فقط به یک نوع از این زبان‌ها اطلاق می‌شود؛ اما منظور از زبان‌ها رمزی چیست؟ زبان‌های رمزی مجموعه‌ای از واژگان و قراردادهای ساختگی هستند که دو یا چند نفر یا یک گروه محدود یا گسترده از مردم در میان خود قرار می‌دهند تا با اتکا به واژه‌ها و قراردادهای من‌درآوردی بتوانند معنا و راز درونی‌شان را که به‌ناچار می‌بایست بر زبان بیاورند از دیگران پنهان کنند (آنی‌زاده ۱۳۸۶: ۱۳۱-۱۳۲). در این مجموعه از زبان‌ها یک یا چند واج طبق الگویی خاص و بر اساس یک قاعده مشخص به‌طور مداوم در میان واج‌های یک کلمه پایه یا مادر قرار می‌گیرد. در حقیقت، آنچه باعث می‌شود واژه‌های زبان رمزی برای شنونده ناآگاه غیرقابل درک باشد تکرار یکنواخت یک یا چند صوت است که مانع می‌شود واژه اصلی و واج‌های واژه مادر در ذهن شنونده ثبت گردد (عبدالرشیدی ۱۳۹۲: ۸۷-۸۸). از سوی دیگر، این زبان‌ها در منابع متفاوت فارسی با عناوینی چون لوتر، لوترا، لوتره، لوتره، قراردادی، رمزی، ویژه، خاص، حرفه‌ای، نامفهوم، یاجوج‌ومأجوج، ساختگی، مخفی، صنفی، فراساخته، برساخته و حتی زبان کولیان و رومانو معرفی شده‌اند (عمید ۱۳۴۲: دهخدا ۱۳۷۷؛ باطنی ۱۳۸۴؛ انوری ۱۳۸۸؛ معین ۱۳۸۶؛ آریان‌پور و عاصی ۱۳۹۱) و قدمت آنها در ایران حداقل به نخستین سند موجود که در سال ۳۷۲ قمری نوشته شده است بازمی‌گردد (عبدالرشیدی ۱۳۹۲: ۲۸-۳۵). سجودی (نک: عابد و همکاران ۱۳۹۴) هم اولین ثبت آنچه را دهخدا تحت عنوان لتره ضبط کرده مربوط به هزار سال قبل یا بیشتر می‌داند. او معتقد است این زبان‌ها در طی سی چهل سال اخیر کم‌رنگ شده‌اند و باید با تسامح کلمه زبان را در موردشان به‌کار برد، زیرا اغلب آنها پایه زبانی دارند اما در میان این زبان‌ها گونه رمزی زرگری یکی از معروف‌ترین گونه‌های زبانی است که استفاده از آن به دو گروه نسبت داده شده است: (۱) گروه اصناف و مشاغل، (۲) طبقه‌های میانی جامعه، توده مردم و عموماً زنان.

۱. نوعی زبان ساختگی که نامی بر آن گذارده نشده است. در این زبان که شباهت بسیاری با زرگری دارد به‌جای واج /z/ واج /g/ استفاده می‌شود. (آنی‌زاده ۱۳۸۶: ۹۶-۹۷).

در گروه اول زبان‌هایی مانند زرگری و مرغی، زبان‌های صنفی و متعلق به مشاغلی هستند که به لحاظ اقتصادی اهمیت خاص داشته یا دارند و این اهمیت خاص را به معنای وجود گنگ و گروهی خاص داشتن می‌دانند؛ اما گونه زبانی‌ای که مورد بحث این مقاله است مربوط به گروه دوم است. در این گروه پژوهشگری مانند همایونی (۱۳۵۰: ۳۵۸-۳۵۹) با نگاهی کلی زبان زرگری را یکی از زبان‌های رایج در میان مردم عوام می‌داند که اکثریت قریب به اتفاق روستاها و شهرهای ایران و نیز بچه‌ها آن را می‌دانند و در حقیقت همان زبان فارسی است که با اضافه کردن «ز» در محل‌های معین و مشخص، کلمات آن به صورتی درمی‌آید که فهم آن برای همه کس آسان نباشد. عبدالرشیدی (۱۳۹۲) نیز در رویکردی شبیه به همایونی زبان زرگری را دارای الگوی ساده‌ای می‌داند که در خانواده‌های ایرانی به عنوان یک زبان رمزی و مخفی کاربرد داشته است. به عبارت دیگر، بزرگ‌ترهای یک خانواده برای پنهان داشتن حرفی از کوچک‌ترها، آن را به کار می‌برند. سپس کودکان نیز به مرور و با رسیدن به سن مناسب این زبان را فرامی‌گرفتند و به جمع بزرگ‌ترها می‌پیوستند. او در تحقیق خود بیان می‌دارد که زبان زرگری را از شهرها و مناطق متفاوتی همچون قریه کته‌بخش باشت شهرستان گچساران، همدان، کنگاور، جندق، سور از توابع الیگودرز (دو سند)، قریه نصرآباد از توابع الیگودرز، ملایر، کمران پشت‌کوه اصفهان، فلار اصفهان، کاشان، قریه کره‌دان پادنا در سمیرم اصفهان، فوجرد گرگان، زنجیران از توابع فیروزآباد فارس، فسا، شیراز، خرم‌آباد، سراب، غینر^۱ از توابع اراک، تایباد از توابع مشهد و کرمان گردآوری کرده است (همان: ۹۰)، اما در نگاهی خاص‌تر، عابد و همکاران (۱۳۹۴: ۲۸) معتقدند همه تهرانی‌های قدیم با زبان زرگری و مرغی آشنا بوده‌اند. سجودی (همان: ۲۲) نیز این زبان را فارسی می‌داند که با تغییراتی در سطح هجا به زبان رمزی زرگری تبدیل شده است. در پایان، آنچه از مرور دیدگاه‌های فوق حاصل می‌شود بیان‌گر جایگاه گونه رمزی زرگری تهران قدیم در میان گونه‌های زبانی متفاوت است.

۴. رویکرد زایشی

رویکرد زایشی دیدگاهی در زبان‌شناسی است که در مؤسسه فناوری ماساچوست توسط نوام چامسکی و موریس هاله در دهه ۱۹۵۰ توسعه یافت. این نظریه هنوز هم در واج‌شناسی و نحو مورد قبول است. واج‌شناسی زایشی از اواسط دهه ۱۹۵۰ به بعد مطرح گردید و از دو خط فکری مستقل شکل گرفت؛ یکی اندیشه‌های چامسکی که در مکتب ساخت‌گرای آمریکایی و نزد زلیگ هریس تعلیم دیده بود و دیگری هاله که در سنت زبان‌شناسی اروپایی و نزد رومن یاکوبسن در مکتب پراگ پرورش یافته بود. مجموعه این دو خط، به پیدایش نظریه زایشی منجر شد که ریشه در این دو مکتب داشت و درعین حال از هر دو متفاوت بود و هر دو را نیز دربر می‌گرفت، اما هدف اصلی زبان‌شناسان در این دستور حل مسئله‌ای است که چامسکی و هاله (۱۹۶۸) به‌عنوان مسئله افلاطون یا فقر محرک از آن یاد می‌کنند. از دیدگاه چامسکی منظور از فقر محرک، اندک بودن داده‌های زبانی است که کودک در معرض آن است. پاسخ او به این مسئله این است که از آنجاکه کودک در بدو تولد مجهز به دانش زبانی زیستی است، قادر است داده‌های محدود و اندک را به نظامی پیچیده و غنی مبدل سازد (Kenstowicz 1994: 2). درواقع، در مقام یک نظام صوری، واج‌شناسی زایشی چامسکی و هاله توانست از برهم‌کنش و اعمال قواعد واجی (با ترتیب کاملاً معین) بر واج‌های زیرساختی، صورت‌های روساختی را پیش‌بینی کرده و در اکثر موارد، برمبنای واج‌های زیرساختی، علت تغییرات روساختی را توجیه نماید (تیلور و لیتل مور ۱۳۹۶).

۱.۴. قواعد مطرح در نظریه زایشی

قواعد مطرح در نظریه زایشی شامل دو نوع قاعده اصلی است. این قواعد برای تبیین انواع فرایندهای واجی به‌کار می‌روند. برخی از آنها بافت‌آزاد و برخی مقید به بافت هستند. قواعد پیش‌فرض^۱ قواعدی بی‌نشان هستند که به آنها قواعد واجی آزاد از بافت^۲ نیز گفته می‌شود. قواعد از پیش تعیین‌شده یا پیش‌فرض بخشی از دستور جهانی محسوب می‌شوند. این قواعد

1. default rules

2. context-free

زمانی به کار می‌روند که قواعد خاص زبان در مورد تعیین مشخصه‌ای در یک زبان خاص سکوت کرده باشد. نمونه‌ای از این قواعد به صورت زیر است (کرد زعفرانلود کامبوزیا ۱۳۹۲: ۳۱):

قاعده آزاد از بافت $A \rightarrow B$

قواعد حشو^۱ و قواعد واجی^۲ قواعدی هستند که فرایندهای واجی متکی به بافت را نشان می‌دهند، بنابراین، به آنها قواعد حساس به بافت یا مقید به بافت^۳ یا قاعده‌های قابل پیش‌بینی نیز گفته می‌شود. این قواعد خاص زبان^۴ هستند (همان: ۳۰-۳۱). به طور مثال، کشش واکه بعد از حذف همخوان چاکنایی در زبان فارسی یک قاعده حساس به بافت محسوب می‌شود.

قاعده حساس به بافت $A \rightarrow B$ /—

۲.۴. سطوح بازنمایی^۵

ما جهت تعیین رابطه میان واج‌ها و مجموعه اجزاء یک زبان، نیازمند دو سطح بازنمایی هستیم (هایمن ۱۳۶۸: ۲۹):

بازنمایی سطح واجی: در نمایش این سطح بازنمایی، نشانه‌های خطی واج‌ها بین دو خط مورب (//) قرار می‌گیرد. چون سطح بازنمایی واجی، واحدهای تمایزدهنده یک زبان و نه اطلاعات آوایی (حشو) را نشان می‌دهد، می‌توان آن را همان نمایش یا تصویر ذهنی که سخن‌گویان از صداهای موجود در واژه‌های زبان خود دارند، تلقی نمود.

بازنمایی سطح آوایی: در نمایش این سطح بازنمایی، نشانه‌های خطی آواها بین دو قلاب ([]) نوشته می‌شوند.

۳.۴. معیارهای روش شناختی کشف بازنمایی زیرین

در این بخش ما با شش معیار مواجه هستیم که به وسیله آنها بازنمایی زیرساختی با قطعیتی نسبی قابل شناسایی است (کرد زعفرانلود کامبوزیا ۱۳۹۲: ۲۷-۲۸):

(۱) گرایش‌های جهانی^۶: اگر از دو مشخصه در حال تناوب $[a]$ و $[\beta]$ ندانیم کدام

1. redundant rules
4. language specific

2. phonological rules
5. levels of representation

3. context sensitive
6. universal tendencies

زیرساختی است، به سایر زبان‌ها مراجعه می‌کنیم. اگر $[\alpha]$ به تنهایی در زبانی دیگر قابل مشاهده باشد اما $[\beta]$ به تنهایی در هیچ زبانی دیده نشود و حضورش وابسته به $[\alpha]$ باشد، در این صورت $[\alpha]$ مشخصه زیرساختی به‌شمار می‌رود.

(۲) توزیع و بسامد وقوع^۱: از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ ، مشخصه‌ای که توزیع متنوع‌تری دارد، بازنمایی زیرساختی است.

(۳) توجیه‌پذیری آوایی^۲: از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ مشخصه‌ای بازنمایی زیرساختی به‌شمار می‌رود که تبدیل آن به دیگری توجیه آوایی داشته باشد، به عبارت دیگر بافت قاعده‌مند داشته باشد.

(۴) طبیعی بودن واج‌شناسی^۳: از دو مشخصه در حال تناوب $[\alpha]$ و $[\beta]$ مشخصه‌ای بازنمایی زیرین محسوب می‌شود که تبدیل آن به دیگری در میان سایر زبان‌ها نیز رایج باشد یا سابقه‌ای از آن در زبان‌های دیگر دیده شود.

(۵) پیش‌بینی پذیری واج‌شناسی^۴: این معیار ویژه صیغگان است و در ساخت‌واژه دیده می‌شود. هنگام مقایسه اسم‌های مفرد و جمع یا اسم‌های معرفه و نکره یا شخص و شمار در زبان‌های متفاوت، گاهی خلأهایی در یکی از صیغه‌ها دیده می‌شود. به عبارت دیگر، دو مشخصه $[\alpha]$ و $[\beta]$ در بعضی صیغگان در حال تناوب هستند و در بعضی بافت‌ها این تناوب دیده نمی‌شود و در هر دو صورت مثلاً مفرد و جمع، مشخصه $[\alpha]$ آشکار می‌شود. اصل پیش‌بینی‌پذیری واج‌شناختی در چنین مواردی آن مشخصه در حال تناوب یعنی $[\beta]$ را به‌عنوان بازنمایی زیرین شناسایی می‌کند.

(۶) طبیعی بودن و توجیه‌پذیری^۵: هرگاه در مجموعه‌ای از داده‌ها، مشخصه $[\alpha]$ در بافت A و مشخصه $[\beta]$ در بافت B مشاهده شود، در این حالت یکی از دو قاعده $\alpha \rightarrow \beta$ یا $\beta \rightarrow \alpha$ عمل خواهد کرد. در چنین حالتی قاعده‌ای عمل می‌کند که از طبیعی بودن و پذیرفتگی آوایی بیشتری برخوردار باشد (کرد زعفرانلود کامبوزیا ۱۳۹۲: ۲۷-۲۸).

1. frequency of occurrence (distribution)
3. phonetic naturalness
5. naturalness or plausibility

2. phonetic plausibility
4. phonological predictability

۵. ارائه و تحلیل داده‌ها

روش پژوهش نظری حاضر به صورت میدانی - اسنادی است و به گونه تحلیلی - توصیفی صورت گرفته است. برای انجام کار در ابتدا داده‌ها در قالب کلمات تک‌هجایی و چندهجایی و دارای هجاهای باز و بسته انتخاب شدند. سپس، این نمونه‌ها به صورت پنج گروه اسامی، افعال، ضمائر، اعداد و ارقام و عبارات و جملات در جدول‌های جداگانه نمایش داده شد. همچنین برای درک بهتر، واج‌نویسی مثال‌ها در کنار واج‌نویسی فارسی معیار ارائه شد. در ادامه، جهت استخراج قاعده‌ها و تعیین فرایندهای دخیل در ساخت گونه زرگری، مثال‌هایی از گروه اسامی به عنوان نمونه انتخاب و تحلیل شد. سپس، قاعده‌ها و فرایندهای استخراج‌شده از این گروه، با نمونه‌هایی از گروه‌های دیگر تطبیق داده شد تا با توجه به اصول مطرح در رویکرد زایشی میزان پیش‌بینی‌پذیری قاعده‌های به دست آمده تعیین شود. بخش‌های زیر بیان‌گر موارد فوق است.

۱.۵. اسامی در گونه رمزی زرگری

در جدول زیر طیف گسترده‌ای از اسامی در گونه رمزی زرگری در قیاس با فارسی معیار ارائه شده است.

جدول ۱. نمونه‌هایی از اسامی در گونه رمزی زرگری

ردیف	اسامی	صورت نوشتاری فارسی معیار	واج‌نویسی فارسی معیار	آوانویسی زبان زرگری
۱	اعضای بدن	سر	sar	sa.zar
۲	اشیاء	سفره	sof.reh	so.zof.re.zeh
۳	طبیعت	رودخانه	rud.xâ.neh	ru.zud.xâ.zâ.ne.zeh
۴	گیاهان	سیب	sib	si.zib
۵	حیوانات	کلاغ	ca.lâG	ca.za.lâ.zâG
۶	شغل و حرفه	خیاط	xa.jât	xa.za.jâ.zât
۷	شخص	همسر	ham.sar	ha.zam.sa.zar
۸	مکان	رستوران (وام‌واژه)	res.tu.rân	re.zes.tu.zu.râ.zân

از میان نمونه‌های جدول (۱) واژه‌های سفره، سیب، کلاغ و رستوران^۱ که دارای واکه‌های (i, u, o, a, e, â) هستند برای تعیین ساخت و هجابندی اسامی زرگری انتخاب می‌شوند. سپس، هر یک از نمونه‌ها به هجاهای تشکیل‌دهنده‌شان تقسیم می‌گردند. نکته قابل توجه آن است که در تفکیک هجاها از ابتدا هجای CV – خواه هجای باز باشد، خواه هجای بسته – از ریشه جدا می‌شود. در این میان اگر هجای جداشده بسته باشد، همخوان پایانه با جزء افزوده (ZVC) تلفظ می‌شود مانند هجای آخر در هر یک از مثال‌های زیر:

so.zof.re.zeh → CV.CVC.CV.CVC	(۱) سُفْرَه ← سُفْرَه رِزَه
si.zib → CV.CVC	(۲) سِیْب ← سِیْزِیْب
ca.za.lâ.zâG → CV.CV.CV.CVC	(۳) کَلَاغ ← کَلَزَاغ
re.zes.tu.zu.râ.zân → CV.CVC.CV.CV.CV.CVC	(۴) رِزِستورازان ← رِزِستورازان

در ادامه، با توجه به جداسازی انجام‌شده، قاعده هجابندی هر یک از مثال‌های فوق به شرح زیر است:

- 1) CV₁. ZV₁C. CV₂. ZV₂C
- 2) CV₁. ZV₁C
- 3) CV₁. ZV₁. CV₂. ZV₂ C
- 4) CV₁. ZV₁C. CV₂. ZV₂. CV₃. ZV₃C

همان‌گونه که مقایسه واج‌نویسی و آوانویسی نمونه‌های جدول (۱) نشان می‌دهد این اسامی با اعمال قاعده درج هجا (ZV) ساخته شده‌اند. این موضوع بیان‌گر آن است که فرایند درج^۲ نقش اساسی در ساخت اسامی گونه زبانی زرگری دارد. از سوی دیگر، هر هجا دو بار ادا شده که حالتی از فرایند تکرار^۳ (در حوزه صرف) را تداعی می‌کند، با این تفاوت که در هجای دوم همخوان [Z] جایگزین همخوان اول شده و واکه هجای دوم با واکه هجای اول هماهنگی واکه‌ای^۴ ایجاد کرده است. منظور از هماهنگی واکه‌ای آن است که واکه هجای

۱. همانند فارسی معیار در زبان رمزی زرگری وام‌واژه‌های گوناگونی مانند رستوران وجود دارند که از قاعده‌ها و فرایندهای موجود در این گونه زبانی تبعیت می‌کنند.

2. insertion process

3. reduplication

4. vowel harmony

درج‌شده (ZV_1) باتوجه‌به واکهٔ هجای قبل از آن (CV_1) در ریشهٔ کلمهٔ پایه تعیین شده است. بنابراین، فرایند هماهنگی واکه‌ای نیز در ساخت این نمونه‌ها دخیل است. علاوه‌بر این، واکهٔ هجای درج‌شده و واکهٔ هجای ماقبل آن می‌تواند هریک از پنج واکهٔ (i, u, o, a, e, \hat{a}) باشد. درنهایت، با بررسی این اسامی می‌توان به قاعده‌نویسی کلی زیر دست یافت:

- 1) $\emptyset \rightarrow \mathbf{Za} / \mathbf{Ca} \text{ --- (C)}$
- 2) $\emptyset \rightarrow \mathbf{Z\hat{a}} / \mathbf{C\hat{a}} \text{ --- (C)}$
- 3) $\emptyset \rightarrow \mathbf{Ze} / \mathbf{Ce} \text{ --- (C)}$
- 4) $\emptyset \rightarrow \mathbf{Zi} / \mathbf{Ci} \text{ --- (C)}$
- 5) $\emptyset \rightarrow \mathbf{Zo} / \mathbf{Co} \text{ --- (C)}$
- 6) $\emptyset \rightarrow \mathbf{Zu} / \mathbf{Cu} \text{ --- (C)}$

$\emptyset \rightarrow \mathbf{ZV}_1 / \mathbf{CV}_1 \text{ --- (C)}$ ← حاصل جمع قاعده‌ها

همان‌طورکه تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد ساخت اسامی در گونهٔ زبانی زرگری دقیقاً منطبق با ساخت واژواجی کلمات در زبان فارسی معیار است، بنابراین، می‌توان گفت مبنای این گونهٔ زبانی، یک زبان طبیعی (فارسی معیار) است که با اعمال قاعدهٔ درج هجا (ZV) ساخته می‌شود. همچنین، به‌غیراز فرایند درج، نوع خاصی از دو فرایند هماهنگی واکه‌ای و تکرار نیز در ساخت این اسامی مؤثراند که در ادامه با هریک از این فرایندها بیشتر آشنا می‌شویم.

۱.۱.۵. فرایند درج

از میان فرایندهایی چون کوتاه‌شدگی، حذف و درج که معمولاً به هجابندی مجدد منجر می‌شوند، فرایند درج، به مفهومی کلی اشاره دارد که تحت تأثیر آن یک عنصر ساختاری جدید به یک زنجیره اضافه می‌شود. در واج‌شناسی یک عنصر واجی در یک واژه درج می‌شود که به آن میان‌هشت^۱ گفته می‌شود. در واقع، میان‌هشت یکی از انواع درج است که به قرار گرفتن یک واحد واجی در بین زنجیره‌ای از واحدهای واجی گفته می‌شود (Carr 1993: 50). در این

فرایند یک همخوان بین دو واکه درج می‌شود تا مانع التقای واکه‌ها^۱ شود، یا یک واکه بین دو همخوان درج می‌شود تا خوشه همخوانی را بشکند (کرد زعفرانلو کامبوزیا ۱۳۹۲: ۲۴۳ و ۲۷۳-۲۷۴). به لحاظ جایگاه درج یک واج در واژه نیز ما با سه نوع درج مواجه هستیم (جم ۱۳۸۸: ۱۶۸-۱۸۰):

(۱) درج آغازین یا پیش‌هشت^۲: درج یک واحد واجی در آغاز یک واژه است. این فرایند که در زبان فارسی به صورت درج انسداد چاکنایی رخ می‌دهد یک قانون آوایی بسیار مهم در این زبان به شمار می‌رود.

این /in/ → [ʔin]

(۲) درج میانی که خود شامل دو نوع است:

الف) میان‌هشت واکه یا افزایش واکه^۳: درج یک واکه در میان یک واژه است.

پروردگار /par.vard.gâr/ → /par.var.de.gâr/

ب) میان‌هشت همخوان: درج یک همخوان در میان یک واژه است. این فرایند در زبان فارسی عمدتاً به منظور برطرف ساختن التقای واکه‌ها، در مرز دو تکواژ رخ می‌دهد. در چنین شرایطی یک همخوان میانجی^۴ تحت شرایط خاص واجی، صرفی یا واژگانی بین دو واکه و در واقع در جایگاه تهی آغاز تکواژ دوم درج می‌شود (این نوع درج در بررسی زبان رمزی زرگری کاربرد دارد).

خورده‌ایم /xorde + im/ → [xordeʔim]

(۳) درج پایانی یا پس‌هشت: پس‌هشت فرایند رایجی در زبان فارسی نیست و تنها می‌توان به درج واکه [i] در انتهای واژه «چای» (/tʃâj/ → [tʃâ.ji]) و درج [ʔ] در پایان واژه «نه» (/na/ → [naʔ]) در هنگام تأکید بر پاسخ منفی اشاره کرد.

در آخر، با توجه به تعریف ارائه شده از فرایند درج و تحلیل صورت گرفته بر روی نمونه‌ها می‌توان گفت، نوعی از فرایند درج موسوم به میان‌هشت در بین اسامی گونه رمزی زرگری اتفاق افتاده است.

۲.۱.۵. فرایند هماهنگی واکه‌ای

در این نوع فرایند یک واکه تحت تأثیر واکه دیگر که در هجای مجاور قرار دارد پاره‌ای از مختصات آوایی خود را از دست می‌دهد و به جای آنها یا مختصات واکه مجاور را به خود می‌گیرد یا مختصاتی نزدیک به آنچه در هجای مجاور وجود دارد حاصل می‌کند. به عبارت دیگر، وقتی واکه‌های موجود در یک کلمه، در بعضی مشخصه‌های واجی با یکدیگر همگون می‌شوند، در این صورت هماهنگی واکه‌ای به وجود می‌آید (کرد زعفرانلو کامبوزیا ۱۳۹۲: ۱۹۰). با این تعریف و باتوجه به بررسی‌های انجام‌گرفته در بخش (۱.۵)، واکه هجای دوم با واکه هجای اول در نمونه‌های مذکور هماهنگی واکه‌ای ایجاد کرده‌اند. در واقع، واکه هجای درج‌شده (ZV_1) باتوجه به واکه هجای قبل از آن (CV_1) در ریشه کلمه پایه تعیین شده است، بنابراین، فرایند هماهنگی واکه‌ای رخ داده است.

۳.۱.۵. فرایند تکرار

تکرار یکی از فرایندهای زایا در حوزه ساخت‌واژه یا صرف است. این فرایند در زبان فارسی برای ساختن واژه‌های جدید به کار می‌رود و مفاهیمی چون شدت، تأکید، افزایش، تداوم، انبوهی، بی‌شماری، جنس یا قسم را به پایه می‌افزاید و گاه علاوه بر تعمیم معنی پایه، مقوله را نیز تغییر می‌دهد. هرگاه پایه به‌طور کامل تکرار شود آن را تکرار کامل می‌نامند و در صورتی که تنها بخشی از پایه تکرار شود آن را تکرار ناقص می‌گویند (شقایق ۱۳۹۲: ۱۰۰). با این توضیح و باتوجه به نتیجه به دست آمده در بخش (۱.۵) می‌توان گفت در اسامی زرگری هر هجا دو بار ادا می‌شود که نوعی از فرایند تکرار را تداعی می‌کند، با این تفاوت که در هجای دوم همخوان [Z] جایگزین همخوان اول می‌گردد. در نهایت، باتوجه به اصول مطرح در رویکرد زایشی، سنجش اصل پیش‌بینی‌پذیری قاعده‌های به دست آمده از طریق بررسی نمونه‌های دیگر امکان‌پذیر است، بنابراین، در ادامه بحث به واکاوی گروه‌های دیگر خواهیم پرداخت.

۲.۵. افعال در گونه رمزی زرگری

افعال نیز در این گونه زبانی با استفاده از جزء افزوده [Z] ساخته می‌شوند. جدول زیر نمونه‌هایی از افعال زرگری را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نمونه‌هایی از افعال در گونه رمزی زرگری

ردیف	افعال	صورت نوشتاری فارسی معیار	واج نویسی فارسی معیار	آوانویسی زبان زرگری
۱	فعل لازم (حال ساده)	می‌نشینم	mi.ne.ʃi.nam	mi.zi.ne.ze.ʃi.zi.na.zam
۲	فعل لازم (گذشته ساده)	رفتند	raf.tand	ra.zaf.ta.zand
۳	ماضی بعید	خریده بودند	xa.ri.de bu.dand	xa.za.ri.zi.de.ze bu.zu.da.zand
۴	ماضی نقلی	رفته‌اند	raf.teʔand	ra.zaf.te.ze.ʔa.zand
۵	آینده	خواهی رفت	xâ.hi raft	xâ.zâ.hi.zi ra.zaft
۶	فعل متعدی (حال ساده)	می‌خورم	mi.xo.ram	mi.zi.xo.zo.ra.zam
۷	فعل متعدی (گذشته ساده)	خریدید	xa.ri.did	xa.za.ri.zi.di.zid
۸	ماضی بعید	دیده بود	di.de bud	di.zi.de.ze bu.zud
۹	ماضی نقلی	خریده‌ای	xa.ri.deʔi	xa.za.ri.zi.de.zeʔi.zi
۱۰	آینده	خواهیم خرید	xâ.him xa.rid	xâ.zâ.hi.zim xa.za.ri.zid
۱۱	«بودن» و «داشتن»	بودیم	bu.dim	bu.zu.di.zim
۱۲		داشته‌ای	dâ.ʃeʔi	dâ.zâ.ʃe.ʔi.zi

در این گروه نیز همانند اسامی از میان افعال زرگری نمونه‌های مناسب که دارای واکه‌های مختلف هستند از جدول (۲) انتخاب می‌شوند. سپس، تفکیک هجایی آنها به شکل زیر انجام می‌شود:

(۵) می‌نشینم ← می‌زی‌نِزِشی‌زی‌نِزِم

mi.zi.ne.ze.ʃi.zi.na.zam → CV.CV.CV.CV.CV.CV.CV

۶) خریده بودند ← خَزَری زی دِز بوزودَزند

xa. za.ri.zi.de.ze bu.zu.da.zand → CV.CV.CV.CV.CV.CVC CV.CV.CV.CVCC

۷) می‌خورم ← می زی خُزَرَم

mi.zi.xo.zo.ra.zam → CV.CV.CV.CV.CV.CVC

۸) داشته‌ای ← دازاش تِزه‌ای زی

dâ.zâ.te.ze.?i.zi → CV.CVC.CV.CV.CV.CV

قاعدهٔ هجابندی افعال فوق به صورت زیر است:

- 5) CV₁. ZV₁. CV₂. ZV₂. CV₃. ZV₃. CV₄. ZV₄C
- 6) CV₁. ZV₁. CV₂. ZV₂. CV₃. ZV₃C CV₄. ZV₄. CV₅. ZV₅CC
- 7) CV₁. ZV₁. CV₂. ZV₂. CV₃. ZV₃C
- 8) CV₁. ZV₁C. CV₂. ZV₂C. CV₃. ZV₃

همان‌گونه‌که در نمونه‌های (۵) تا (۸) مشاهده می‌شود در هجای دوم همخوان [Z] جایگزین همخوان اول شده و واکهٔ هجای دوم با واکهٔ هجای اول هماهنگی واکه‌ای پیدا کرده است. به‌علاوه، وجود دو فرایند درج و تکرار در این داده‌ها کاملاً مشهود است؛ بنابراین، تفکیک هجاها و تعیین قاعدهٔ هجابندی افعال گونهٔ رمزی زرگری دقیقاً مانند اسامی آن است که خود مؤید قابلیت پیش‌بینی‌پذیری قاعده‌های به‌دست‌آمده در گروه اسامی است. ازسوی دیگر، در این داده‌ها نمونه‌های تک‌هجایی و چندهجایی و نیز انواع هجاها باز و بسته دیده می‌شود. به‌علاوه، در فعل بودند، هجای بستهٔ آخر دارای دو همخوان پایانه است که همراه با جزء افزوده به شکل (ZVCC) تلفظ می‌شود.

۳.۵. ضمائر در گونهٔ رمزی زرگری

گروهی دیگر از داده‌های گردآوری‌شده مربوط به انواع ضمائر در زبان زرگری است که نمونه‌هایی از آن در جدول (۳) ارائه شده است (در برخی از نمونه‌ها واژه‌هایی برای درک بهتر به همراه ضمائر ارائه گردیده است مانند برای ایشان).

جدول ۳. نمونه‌هایی از ضمائر در گونه رمزی زرگری

ردیف	ضمایر	صورت نوشتاری فارسی معیار	واج نویسی فارسی معیار	آوانویسی زبان زرگری
۱	ضمایر مفعولی با واسطه	برای ایشان	ba.râj-e ?i.ʃân	ba.za.râ.zâ.je.ze ?i.zi.ʃâ.zân
۲	ضمایر مفعولی	شما را	ʃo.mâ râ	ʃo.zo.mâ.zâ râ.zâ
۳	ضمایر فاعلی	آنها	?ân.hâ	?â.zân.hâ.zâ
۴	ضمایر مشترک	کتابِ خودم	ce.tâb-e xo.dam	ce.ze.tâ.zâ.be.ze xo.zo.da.zam
۵	ضمایر ملکی منفصل	کتابِ ما	ce.tâb-e mâ	ce.ze.tâ.zâ.be.ze mâ.zâ
۶	صفات ملکی	کتابتِ آن	ce.tâb-e tân	ce.ze.tâ.zâ.be.ze.tâ.zân
۷	ضمایر اشاره	این	?in	?i.zin

در این قسمت نیز چند ضمیر با واژه‌های مختلف از جدول (۳) انتخاب و تفکیک هجا می‌شوند:

۹) آنها ← آزان هازا → CV.CVC.CV.CV → ?â.zân.hâ.zâ

۱۰) کتابِ خودم ← کیزتازابز خوزودرَم → CV.CV.CV.CV.CV CV.CV.CV.CVC → ce.ze.tâ.zâ.be.ze xo.zo.da.zam

۱۱) این ← ای زین → CV.CVC → ?i.zin

۱۲) برای ایشان (ایشون) ← بَرزازیِ ای زی شوزون → CV.CV.CV.CV.CV.CV CV.CV.CV.CVC → ba.za.râ.zâ.je.ze ?i.zi.ʃu.zun

همان‌طورکه مشاهده می‌شود در این گروه نیز فرایندها و قاعده‌های به‌دست‌آمده در بخش (۱.۵). اعمال شده است. تنها نکته متفاوتی که از بررسی ضمائر فوق با گروه اسامی و افعال زرگری حاصل می‌شود آن است که در مثال‌های (۱۰) و (۱۲) کسره اضافه «َ» که در پایان واژه کتاب و برای و در مرز بین دو واژه آمده است، در فارسی معیار و زبان رمزی زرگری به همراه همخوان ماقبل خود یک هجا را تشکیل می‌دهند و یک هجای جدید نیز بعد از آن درج می‌شود. در پایان، قاعده هجابندی حاصل از مثال‌های فوق به شرح زیر است:

- 9) CV₁. ZV₁C. CV₂. ZV₂
 10) CV₁. ZV₁. CV₂. ZV₂. CV₃. ZV₃ CV₄. ZV₄. CV₅. ZV₅C
 11) CV₁. ZV₁C
 12) CV₁. ZV₁. CV₂. ZV₂. CV₃. ZV₃ CV₄. ZV₄. CV₅. ZV₅C

۴.۵. اعداد و ارقام در گونه رمزی زرگری

انواع گوناگون اعداد و ارقام زرگری گروهی دیگر از داده‌ها هستند که در قیاس با فارسی معیار در جدول (۴) ارائه شده‌اند.

جدول ۴. نمونه‌هایی از اعداد و ارقام در گونه رمزی زرگری

آوانویسی زبان زرگری	واج‌نویسی فارسی معیار	صورت نوشتاری فارسی معیار	اعداد و ارقام	ردیف
se.zev.vo.zo.mi.zin	sev.vo.min	سومین	اعداد و ارقام	۱
da.za.ho.zom	da.hom	دهم		۲
tjâ.za.hâ.zâr	tjâ.hâr	چهار		۳
pâ.zân.da.zah	pânz.dah	پانزده		۴
bi.zis.to.zo.se.zeh	bîst-o seh	بیست‌وسه		۵
ha.zaf.tâ.zâd	haf.tâd	هفتاد		۶
sa.zad	sad	صد		۷
he.ze.zâ.zâr	hezâr	هزار		۸
si.zi.sa.zad	si.sad	سیصد		۹
do.zo.mi.zil.ju.zun	do mil.jun	دو میلیون		۱۰

تفکیک هجاها در نمونه‌هایی از جدول (۴) که در بردارنده واکه‌های مختلف هستند به صورت زیر است:

ha.zaf.tâ.zâd → CV.CVC.CV.CVC (۱۳) هفتاد ← هَزَف تازاد

se.zev.vo.zo.mi.zin → CV.CVC.CV.CV. CV. CVC (۱۴) سَوَمین ← سِزَوُومِی زین

(۱۵) دو میلیون ← دُوُ می زیل یوزون

do.zo.mi.zil.ju.zun → CV.CV.CV.CVC. CV. CVC

آنچه از بررسی مثال‌های جدول (۴) حاصل می‌شود، همانندی قواعد و فرایندهای موجود

در ساخت اعداد و ارقام زرگری با قواعد و فرایندهای اعمال‌شده در گروه اسامی و گروه‌های دیگر است. اما نکته قابل توجه وجود تشدید^۱ در واژه سومین و تکرار همخوان «و» در این کلمه است که نوعی وام‌واژه عربی به‌شمار می‌رود. در این مورد نیز گونه رمزی زرگری به تبعیت از فارسی معیار یعنی زبان طبیعی که از آن نشئت گرفته است عمل می‌کند. نهایتاً، باتوجه به جداسازی هجاها در موارد فوق، قاعده هجابندی حاصل به‌صورت زیر است:

- 13) CV₁. ZV₁C. CV₂. ZV₂C
 14) CV₁. ZV₁C. CV₂. ZV₂. CV₃. ZV₃C
 15) CV₁. ZV₁. CV₂. ZV₂C. CV₃. ZV₃C

۵.۵. عبارات و جملات در گونه رمزی زرگری

نمونه‌های آخر مربوط به عبارات و جملات در زبان رمزی زرگری است که در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول ۵. نمونه‌هایی از عبارات و جملات در گونه رمزی زرگری

ردیف	عبارات و جملات	صورت نوشتاری فارسی معیار	واج‌نویسی فارسی معیار	آوانویسی زبان زرگری
۱	اسم مرکب	دختردایی	dox.tar dâ.ji	do.zox.ta.zar dâ.zâ.ji.zi
۲	صفت	بلند	bo.land	bo.zo.la.zand
۳	قید	فردا	far.dâ	fa.zar.dâ.zâ
۴	عبارت حرف اضافه‌ای	در کیف	dar cif	da.za.re.ze ci.zif
۵	صفت و موصوف	دانشمند دانا	dâ.nef.mand -e dâ.nâ	dâ.zâ.ne.ze].ma.za n.de.ze dâ.zâ.nâ.zâ
۶	جمله	مریم دیروز در کلاس هنر ناراحت بود.	mar.jam di.ruz dar ce.lâs-e ho.nar nâ.râ.hat bud	ma.zar.ja.zam di.zi.ru.zuz da.za.re.ze ce.ze.lâ.zâ.se.ze ho.zo.na.zar nâ.zâ.râ.zâ.ha.zat bu.zud

۱. در زبان‌شناسی تشدید را جفت‌واج یکسان می‌گویند اما چون در فارسی واکه مشدد وجود ندارد این پدیده فقط در مورد همخوان‌ها روی می‌دهد؛ بنابراین، بهتر است آن را همخوان مکرر بنامیم. همخوان مکرر معمولاً در مورد واژه‌های دخیل عربی به‌کار می‌رود (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۹۲: ۳۱۷).

از بین مثال‌های جدول (۵)، عبارت دانشمندِ دانا و جملهٔ مریم دیروز در کلاس هنر ناراحت بود به شکل زیر تفکیک هجا می‌شوند:

(۱۶) دانشمندِ دانا ← دازانیش مَرَنَدِز دازانازا

dâ.zâ.ne.ze].ma.zan.de.ze dâ.zâ.nâ.zâ → CV.CV.CV.CVC.CV.CVC.CV.CV
CV.CV.CV.CV

(۱۷) مریم دیروز در کلاس هنر ناراحت بود ← مَرِیْمِ دِیْزِی رُوزُوزِ دَرِزِرِزِ کِرِزِلَازِیْسِزِ هُنَرْتَرِزِ نَازَارَازَا حَزَّت بوزود.

ma.zar.ja.zam → CV.CVC.CV.CVC

di.zi.ru.zuz → CV.CV.CV.CVC

da.za.re.ze → CV.CV.CV.CV

ke.ze.lâ.zâ.se.ze → CV.CV.CV.CV.CV.CV

ho.zo.na.zar → CV.CV.CV.CVC

nâ.zâ.râ.zâ.ha.zat → CV.CV.CV.CV CV.CVC

bu.zud → CV.CVC

در این عبارات نیز قواعد و فرایندهای دخیل در ساخت گروه‌های دیگر به چشم می‌خورد. به علاوه، در مثال (۱۶) مانند مثال‌های (۱۰) و (۱۲) کسرهٔ اضافه «ا» با همخوان قبل از خود تشکیل یک هجا را می‌دهد و هجای جدید هم بعد از آن درج می‌شود. همچنین، بررسی و تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که قواعد و فرایندهای به‌دست آمده نه تنها در واژه‌های یک‌هجایی بلکه در واژه‌های چندهجایی، عبارات حرف اضافه‌ای و جمله‌ها نیز اعمال شده‌اند. این موضوع خود مؤید اصل پیش‌بینی‌پذیری است.

۶. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر برای نخستین بار در چارچوب رویکرد زایشی به بررسی گونه‌ای از زبان‌های رمزی موسوم به گونهٔ رمزی زرگری تهران قدیم پرداخته و در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

(۱) گونهٔ رمزی زرگری چه نوع زبانی است؟

(۲) چه فرایندهایی در ساخت گونهٔ رمزی زرگری عمل می‌کنند؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت گونهٔ رمزی زرگری یکی از معروف‌ترین لوترهای

همگانی در بین خانواده‌های فارسی‌زبان تهران قدیم است که معمولاً در میان طبقه‌های میانی جامعه، توده مردم و عموماً در بین زنان رایج بوده است. به علاوه، این گونه رمزی دارای پایه زبانی است، بنابراین، باید با تسامح کلمه زبان را در مورد آن به کار برد. استفاده از این بازی زبانی نیز نه تنها به طبقه‌های میانی جامعه بلکه به گروه اصناف و مشاغل هم نسبت داده شده است. از سوی دیگر، این زبان رمزی از جمله گونه‌های زبانی است که دو تفاوت عمده با زبان‌های ساختگی دارد:

(۱) زبان‌های ساختگی عموماً با هدف برقراری ارتباط بین سایر زبان‌ها و تعامل بیشتر بین افراد ایجاد می‌شوند (مانند زبان اسپرانتو در سطح بین‌المللی)، اما زبان‌های رمزی برای پنهان کردن گفت‌وگوهای خصوصی از افراد ناآشنا یا غیرمرتبط در محیط‌های عمومی ساخته می‌شوند (مانند گونه رمزی زرگری تهران قدیم).

(۲) ممکن است مبنای زبان‌های ساختگی با زبان‌های طبیعی متفاوت باشد، اما گونه زرگری مبنای طبیعی دارد و فقط نوعی قاعده آوایی خاص از هجا در ساختار واژه‌های آن درج می‌شود. درحقیقت، این زبان رمزی از زبان طبیعی بهره می‌گیرد و یک واحد واجی در زنجیر واجی کلمات آن به صورت متناوب درج می‌گردد. در نتیجه، شاید بتوان گفت زبان رمزی زرگری ترکیبی از زبان‌های طبیعی و ساختگی است، به طوری که مبنای طبیعی دارد و بر روی آن ساختاری ساختگی اعمال می‌شود.

پاسخ سؤال دوم نیز در نتایج حاصل از بررسی و تحلیل داده‌های این گونه زبانی نهفته است. همان‌گونه که در بخش (۵) به تفصیل بیان شد، ساخت اسامی، افعال، ضمائر، اعداد و ارقام و عبارات و جملات - یک‌هجایی یا چندهجایی، با هجای بسته یا باز و حتی وام‌واژه‌ها - در گونه رمزی زرگری دقیقاً منطبق با ساخت واژواجی کلمات در فارسی معیار است و تنها نوعی قاعده آوایی خاص از هجا در ساختار واژه‌های آن اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، مبنای این گونه زبانی، یک زبان طبیعی (فارسی معیار) است که با اعمال قاعده درج هجا (ZV) ساخته می‌شود، بنابراین، فرایند اصلی عمل‌کننده در ساخت واژه‌های این زبان فرایند درج است. همچنین، نوع خاصی از دو فرایند هماهنگی واکه‌ای و

تکرار در ساخت این زبان دخالت دارند. در آخر می‌توان گفت کار دقیق بر روی انواع لوترها و زبان‌های رمزی ایران و بررسی این گنجینه‌های زبانی در چارچوب نظریات متفاوت زبان‌شناسی از پژوهش‌های مفید پیشرو است.

منابع

- آریان‌پور کاشانی، منوچهر و عاصی، سید مصطفی، ۱۳۹۱، فرهنگ جامع پیشرو آریان‌پور - فارسی به انگلیسی (۴ج)، تهران.
- آنی‌زاده، علی، ۱۳۸۶، «نگاهی به زبان‌های ساختگی»، فصل‌نامه نجوای فرهنگ، ش ۴، ص ۱۳۱-۱۴۲.
- افشار سیستانی، ایرج، ۱۳۷۷، کولی‌ها، تهران.
- انوری، حسن، ۱۳۸۸، فرهنگ فشرده سخن (۲ج)، تهران.
- باطنی، محمدرضا، ۱۳۸۴، فرهنگ فشرده معاصر انگلیسی - فارسی، تهران.
- بلوکباشی، علی، ۱۳۷۹، «زبان‌های رمزی در ایران»، یادنامه دکتر احمد تفضلی، به‌کوشش علی‌اشرف صادقی، تهران، ص ۱۰۹-۱۲۷.
- _____، ۱۳۸۰، «زبان‌های رمزی در ایران»، کتاب ماه هنر، ش ۳۵-۳۶، ص ۱۸-۷.
- تیلور، جان آر، و لیتل مور، جانت، ۱۳۹۶، راهنمای زبان‌شناسی شناختی، ترجمه و جیهه فرشی و نجمه فرشی، تهران.
- جم، بشیر، ۱۳۸۸، نظریه بهینگی و کاربرد آن در تبیین فرایندهای واجی زبان فارسی، رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- حسینی معصوم، سید محمد، ۱۳۹۳، «تحلیل و توصیف گویش شناختی یک زبان رمزی خانوادگی خاص در مشهد»، دو فصل‌نامه فرهنگ و ادبیات عامه، س ۲، ش ۳، ص ۲۵-۴۷.
- دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۷۷، لغت‌نامه، تهران.
- رضائی باغبیدی، حسن، ۱۳۸۱، «بررسی و طبقه‌بندی گویش‌های کولیان ایران»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران، تهران، ص ۲۴۱-۲۵۸.
- زمردیان، رضا، ۱۳۴۸، «زبان‌های ساختگی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۲۰، ص ۵۴۹-۵۵۶.
- شقایقی، ویدا، ۱۳۹۲، مبانی صرف، تهران.
- عابد، ندا و همکاران، ۱۳۹۴، «زبان‌های صنفی از مصر باستان تا امروز (پرونده لرها: زبان‌های برساخته برای دیگر بودن): گفت‌وگو با کوروش صفوی (هم‌دندانی، با مدیوم زبان)، مهدی سمائی (زبان

مخفی، افکار پنهان در پشت واژه‌ها)، فرزانه سجودی (زبان‌های برساخته، مرزبندی میان خود و دیگران)، مجید افشار (دیگه باید افتراشیم) و مصطفی طیب (واژه‌های عبری در قصایی)، پایگاه خبری - تحلیلی ماهنامه آزما (ویژه هنر و ادبیات)، س ۱۷، ش ۱۱۱، ص ۱۴-۲۸.

عبدالرشیدی، علی‌اکبر، ۱۳۹۲، زبان‌های ساختگی (با یادداشتی از دکتر محمدرضا باطنی)، تهران. عمید، حسن، ۱۳۴۲، فرهنگ فارسی عمید، تهران.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالی، ۱۳۹۲، واج‌شناسی رویکردهای فاعده‌بنیاد، تهران.

معین، محمد، ۱۳۸۶، فرهنگ معین (یک‌جلدی)، تهران.

وثوقی، حسین، ۱۳۸۱، «توصیف زبان‌شناختی گویش زرگری رایج در روستای زرگر»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی: زبان و زبان‌شناسی، جلد دوم، ص ۳۶۱-۳۶۹.

هایمن، لاری ام، ۱۳۶۸، نظام آوایی زبان: نظریه و تحلیل، ترجمه یدالله ثمره، تهران.

همایونی، صادق، ۱۳۵۰، «قواعد زبان زرگری»، مجموعه خطابه‌های نخستین کنگره تحقیقات ایرانی (دانشگاه تهران)، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۶۵.

Carr, P., 1993, *Phonology*, New York.

Chomsky, N., and Halle, M., 1968, *The Sound Pattern of English*, New York.

Crystal, D., 2008, *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, 6th ed, Malden.

Ferreira, V., and Bouda, P., 2009, "Minderico: An Endangered Language in Portugal", *Proceedings of Conference on Language Documentation and Linguistic Theory 2*, ed, P. K. Austin, et. al, London, pp. 95-106.

Fromkin, V., et al. 2003, *An Introduction to Language*, Boston.

Gumperz, J., 1973, "Speech Community", *Language and Social Context*, ed. P. P. Giglioli, London, pp. 219-231.

Ivanow, W., 1914, "On the Language of the Gypsies of Qainat (in Eastern Persia)", *Journal of the Asiatic Society of Bengal* 10, pp. 439-455.

_____, 1920, "Further Notes on the Gypsies in Persia", *Journal and Proceedings of the Asiatic Society of Bengal (N. S.)* 16. pp. 281-291.

Kenstowicz, M., 1994, *Phonology in Generative Grammar*, Cambridge.

Lyovin, A. V., 1997, *An Introduction Language of the World*, New York.

Minorsky, V., 1986, *The Encyclopedia of Islam V*, Leiden, pp. 816-819.

Windfuhr, G., 1970, "European Gypsy in Iran: A First Report", *Anthropological Linguistics* 12, pp. 271-292.

Yule, G., 1996, *The Study of Language*, Cambridge.